

فیروزکوه

چه وقت بنا و چه وقت ویران شد

احمد علی کهزاد

بنیاد فرهنگی کهزاد

شنوندگان رادیو کابل همه نام «غور» را شنیده و لابد همه میدانند که این علاقه وسیع در جنوب غربی افغانستان منبسط است و از نظر ساحه جغرافیای طبیعی دو رودخانه بزرگ هیرمند و هریرود حدود شمالی و جنوبی آنرا تعیین میکنند و دسته ئی از رودخانه های دیگر چون خاشرود و فراه رود از قلب کهساران آن سرچشمه میگیرند و دره هائی در آن پدید آورده اند.

در بین ناحیه از روزگاران قدیم و معاصر سلاله های صفاری و غزنوی، ملکائی برخاسته اند که علی العموم آنها را به صفت غورشاهان یا ملوک جبال شناخته و می شناسند. این ملکان مخصوصاً بعد از وفات ملک عزاء الدین حسین سرسلسله دودمان شنسبانی های غور که قلمرو تحت اداره اش میان فرزندان هفت گانه او تقسیم شد، مراکز علیحده پیدا کرد که در آن میان «فیروز کوه» بحیث پایتخت سلطان های غور شهرت بیشتر دارد.

فراموش نباید کرد که اصلاً «فیروز کوه» شهری است نو پیدا و نو بنیاد، بطوری که در منابع تاریخی آمده و منهاج السراج جوزجانی خوبتر در طبقات ناصری ذکر کرده است، اگر از شخصیت های نخستین سلاله غوری که در پرده های اساطیر و لفافه های ابهام پیچیده است، صرف نظر شود، امیر سوری بن محمد سر سلسله شنسبانی های غور را معاصر یعقوب لیث صفاری با قصر و دارالملک او در «مندیش»، در پای کوه «زار مرغ» مشاهده میکنیم که اینجا محل بحث آن نیست.

در عصر یکی از پادشاهان این سلسله که ملک عزالدین حسین نام داشت و دارای هفت پسر بود، قلمرو غور بین پسران هفتگانه پادشاه تقسیم شد. یکی از پسران وی که ملک الجبال قطب الدین باشد، علاقه ئی رسید موسوم به «ورشاد» یا «ورشاده». به نحوی که در طبقات ناصری آمده ملک مذکور به فکر احداث شهری در علاقه مربوطه خود افتاد و هیئتی معین کرد تا در اکناف سواد آن گردش کنند و جای مناسبی برای بنا شهر نو انتخاب نمایند و بالاخره جایگاه شهر تعیین شد و مورد پسند ملک قطب الدین قرار گرفت و سنگ اول بنیان قلعه شهر بدست ملک مذکور معاصر زمانی که یمین الدوله بهرام شاه در غزنی سلطنت میکرد، گذاشته شد.

سنجش حسابی و منطقی چنین تقاضا میکند که ما محل و موقعیت «فیروز کوه» را بحیث یک شهر در علاقه نسبتاً وسیع نئی بنام «ورشاد» تجسس کنیم ولی چون به کمک موقعیت منار جام و به کمک فاصله و موقعیت برخی دیگر از اعلام تاریخی، جایگاه «فیروز کوه» در نقطه ریزش رودخانه جام به رودخانه هریرود واضح شده است، گفته میتوانیم که علاقه «ورشاد» در دو طرفه مسیر هریرود ساحه نئی را در بر میگرفت که بیگمان «شهرک»، «چشت» و «ناب» را میتوان در آن حساب کرد ولی باز هم علاقه بزرگی نبود زیرا خاک غور به نحوی که گفتیم بین هفت برادر تقسیم شد و «ورشاد» یکی از تقسیمات هفتگانه خاک غور بود.

بهر حال ملک الجبال قطب الدین چون به غزنی میرود از طرف بهرامشاه غزنوی کشته میشود و کار بنای قلعه فیروز کوه را برادرش بهالدین سام ادامه میدهد و وی به شهادت منهاج السراج اولین ملک الجبال سلسله شنسیانی غوری است که در سال 544 هجری قمری در فیروزکوه بر تخت سلطنت جلوس میکند. ولی وی هم دیری نمی پاید و چون بقصد انتقام خون برادر آهنگ غزنی میکند، در محلی بنام «کیدان» وفات میکند و نوبت پادشاهی به برادر دیگرش علاء الدین جهانسوز و پسر اخیر الذکر ملک سیف الدین میرسد. بلاخره یکی از برادرزادگان آنها سلطان غیاث الدین ابوالفتح محمد بن سام بر تخت فیروز کوه مینشیند و از 558 هجری قمری تا 599، چهل سال کامل سلطنت میکند و آبادی هائی در فیروز کوه بعمل می آرد.

فیروزکوه بعد از اینکه در سال 607 هجری قمری بدست علاء الدین خوارزمشاه می افتد از مقام پایتختی می افتد و 12 سال بعد در طوفان دهشت مغل در سال 619 با خاک یکسان میگردد. از تاریخ بنای این شهر بدست ملک قطب الدین یعنی از 540 هجری قمری تا خراب شدن آن بدست مغلان چنگیزی در 619 درست 79 سال میگذرد و این خود نشان میدهد که چطور این شهر در ظرف عمر سه نسل بنیاد گذاری شد و پایتخت گردید و ویران گردید و طوری در خاطرها فراموش شد که اینک بعد از تقریباً هفت و نیم قرن تازه ملتفت گردیده ایم که موقعیت آنرا در حوالی دهکده جام در دو طرفه مسیر هریرود علیا معین کنیم.

امروز اگر دقت شود اسم فیروز کوه در نقشه های جغرافیائی از بین نرفته بلکه بیک رشته کوه هائی اطلاق میشود که موازی با خط هریرود در سواحل راست آن افتاده و منطقه «جام» را به خوبی در بر میگیرد. پس احتمال زیاد میرود که شهر فیروز کوه در دو طرفه مسیر هریرود یا کمی پائین تر در جایی که آثار خرابه های نسبتاً بزرگی دیده میشود وقوع داشته است و نام فیروز کوه، اسم کوه، دلالت بر وجود شهر فیروزکوه در آن نواحی میکند. /11 قوس 1337/